تسامح و شدّت عمل در اسلام

هر کس از راه انصاف در آئین اسلام پژوهش کند، به روشنی درمی‌یابد که تعالیم و قوانین اسلامی به آسانگیری بر مردم و تسهیل وظایف آنان گرایشی عظیم دارد و تنها در مواضعی به سختگیری نزدیک می‌شود که ایمان و اخلاق جامعه در معرض تباهی قرار گیرد و مصلحت عمومی به خطر افتد و نرمش و ملایمت نیز چاره‌سازی نکند و گر نه، روح غالب، در آموزشها و دستورات اسلامی به تساهل و تخفیف و جلب قلوب، معطوف است. مقاله حاضر توضیح این مهم را بر عهده دارد.

قرآن کریم که مصدر نخستین و موثّق‌ترین مرجع اسلامی شمرده می‌شود، به تصریح از تسامح سخن می‌گوید و در تشریع احکام، آن را مورد عنایت قرار می‌دهد. در سورهٔ نساء به تخفیف وظایف مسلمانان، بدین اعتبار که: «آدمی ناتوان آفریده شده است» اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ ۚ وَخُلِقَ ٱلْإِنسَٰنُ ضَعِيفًا ﴾ (النِّساء: ۲۸)

«خدا می‌خواهد که تکلیف شما را آسان سازد زیرا که آدمی ناتوان آفریده شده است».

در سوره حج نیز پس از آنکه به مجاهدت دربارهٔ خدا فرمان می‌دهد، برای آنکه گمان نرود تکلیف گرانبار و فوق طاقتی بر مسلمانان نهاده شده، می‌فرماید:

﴿ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ﴾ (الحجّ: ۷۸)

«خدا در این دین، سختی بر شما ننهاده است».

همین مضمون در سورهٔ مائده پس از ذکر احکام طهارت آمده و در آنجا می‌فرماید:

﴿ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ ﴾ (المائده: ٦)

«خدا نمی‌خواهد که بر شما سختگیری روا دارد».

و در سورهٔ بقره پس از آنکه وجوب روزه‌داری را مطرح می‌سازد، از تخفیف‌هایی که نسبت به بیماران و مسافران و جُز ایشان، داده شده سخن به میان می‌آورد تا آنجا که می‌فرماید:

﴿ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ ﴾ (البقره: ۱۸۵)

«خدا آسانی را برای شما می‌خواهد و خواستار سختگیری بر شما نیست».

و هر چند در پاره‌ای از این موارد، پس از ذکر احکام ویژه‌ای، از تسهیل حکم سخن رفته، ولی چون در شکل کلّی و در مقام تعلیل، از آسانگیری یاد شده است از اینرو به قول علمای اصول باید گفت که: **العِبرَةُ بِعُمُومِ اللَّفظِ، لابِخُصُوصِ السَّبَب.** و به تعبیر دیگر: مورد، مخصِّص نیست و حکم خدا شمول دارد. این استنباط را آیات دیگری که شکل کلّی دارند نیز تأیید می‌کنند مانند آنچه در سورهٔ اعراف در وصف پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله آمده که:

﴿ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَٱلْأَغْلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴾ (الاعراف: ۱۵۷)

«بار گرانی را که بر عهده دارند و زنجیرهای ایشان را از آنان برمی‌دارد».

و یا در سورهٔ بقره، دعای مؤمنان را که مقرون به اجابت شده چنین نقل می‌فرماید:

﴿ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ... ﴾ (البقره: ٢٨٦)

علاوه بر آیات قرآنی، بیانات و سفارشهای مؤکَّد پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ که مورد توافق فِرَق اسلامی از شیعی و سنّی است نیز بر ملایمت و سهولت شرایع اسلام، دلالتی روشن دارند. از جمله آنکه فرمود: **بُعِثتُ بِالحَنِيفِيَّةِ السَّمحَة**[١] «من بر آئین توحیدیِ سهل و آسانی مبعوث شده‌ام». و نیز فرمود: **إنَّ هذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأوغِلُوا فِيهِ بِرِفقٍ وَ لاتُكَرِّهُوا عِبادَةَ الله إلى عِبادِه**[٢] «این دین، آئینی استوار است پس، با نرمی و ملایمت در آن حرکت کنید و بندگی خدا را در نظرِ بندگان خدا، ناپسند مسازید». و نیز به هنگام فرستادن یاران خود برای تبلیغ اسلام، بدانها فرمود: **يَسِّرُوا وَ لاتُعَسِّرُوا، وَ بَشِّرُوا وَ لاتُنَفِّرُوا**[٣] «آسان بگیرید و سخت مگیرید و نوید دهید و متنفّر نکنید». و همچنین فرمود: **إنَّكُم أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمُ اليُسرُ**[٤] «شما أمّتی هستید که آسانگیری را از شما خواسته‌اند.» و در هر أمر تکلیفی، توانِ مردم را شرط تعلّق تکلیف می‌شمرد ومی‌فرمود: **إذا اَمَرتُكُم بِأمرٍ فَأتُوا مِنهُ مَا استَطَعتُم**[٥] «چون شما را به کاری دستور دادم، از آن کار هر چه را که در توانتان بود به جای آورید». البتّه نرمخویی و خوشرفتاری رسول خدا ﷺ با مردم و عفوها و چشم‌پوشی‌هایی که دربارۀ خطاکاران از خود نشان داده، داستان دیگری دارد که تفصیل آن از حوصلۀ این مقاله بیرون است و در اینجا ذکر آیه‌ای از قرآن که احوال فرخندۀ پیامبر ﷺ را به نحو ایجاز یادآور می‌شود ما را کفایت می‌کند:

---

١) الجامع الصّغیر فی احادیث البشیر النّذیر، جلال الدّین سیوطی، ج ١ باب الباء (چاپ مصر) مقایسه شود با الاصول من الکافی، ج ٢، باب الشرایع، ص ١٧، حدیث ١ (چاپ بیروت).

٢) الاصول من الکافی، ج ٢،باب الاقتصاد فی العبادة، ص ٨۶، حدیث ١و ۶. مقایسه شود با جامع الاحادیث، ج ٢، ص ۴٧٧، حدیث ۵۴ و ۶٢ (چاپ دمشق).

٣) الجامع الصحیح، بخاری، ج ١، کتاب العلم، حدیث ۶٩ (با ترجمه انگلیسی از دکتر محمد محسن خان).

۴) المسند، احمدبن حنبل، ۵، ٣٢.

۵) الفِقهُ الإسلامِیّ وَأدِلَّته، دکتر وهبة الزّحیلی، ج ١، ص ١٢٩ (چاپ دمشق). اصل حدیث در جامع الاحادیث سیوطی بدین صورت آمده است: **ذَرُونِي ماتَرَكتُكُم، فَإنَّما هَلَكَ مَن كانَ قَبلَكُم بِكَثرَةِ سُؤالِهِم وَ اختِلافِهِم عَلى أنبِيائِهِم. فَإذا أمَرتُكُم بِشَيءٍ فَأتُوا مِنهُ مَا استَطَعتُم وَ إذا نَهَيتُكُم عَن شَيءٍ فَدَعُوهُ.** (جامع الاحادیث، ج ۴، ص ١٧٣، حدیث١٢٢۶۴).

﴿ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ ﴾ (آل عمران: ۱۵۹)

«به رحمت خداوندی برای مردم نرمخو شده‌ای که اگر خشن و سخت دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند، پس از خطاهای ایشان درگذر و برای آنها آمرزش بخواه و با آنان در کارها به رایزنی پرداز و چون مصمّم شدی، بر خدا توکّل کن که خداوند اهل توکّل را دوست می‌دارد».

از سیرت رسول خدا ﷺ که بگذریم اگر در فقه اسلامی هم تفحّص کنیم، به روشنی می‌بینیم که تسامح و آسانگیری در هر بابی از ابواب فقهی نیز راه دارد و قاعدهٔ «رَفع عُسر و حَرَج» بر سراسر فقه حکومت می‌کند و ما در اینجا نمونه‌هایی از حکومت مزبور را که در آثار نبوی آمده نشان می‌دهیم:

در باب طهارت می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ با وجود عنایتِ بسیار به پاکیزگیِ مسلمانان، گاهی از واجب شمردن برخی دستورات بهداشتی - که رعایت آنها دشواربود - چشم می‌پوشید و مثلاً می‌فرمود: **لَولا أن أشُقَّ عَلى أمَّتِی لَأمَرتُهُم عِندَ كُلِّ صَلوةٍ بِوُضُوءٍ وَ مَعَ كُلِّ وُضُوءٍ بِسِواكٍ**[6] «اگر بر امّتم دشوار نبود فرمان می‌دادم که با هر نماز، وضوئی تازه بسازند و با هر وضوء، دندانها را مسواک زنند.»

دستور تیمّم با خاک در زمان بیماری، ناظر به رعایت همین آسانگیری است و بدین مناسبت در کتب فقه و حدیث آورده‌اند که مردی از یاران پیامبر ﷺ بر سرش زخمی وارد آمد، ضمناً دچار جنابت هم شد. از برخی از همراهان خود پرسید که آیا جایز است در این حالت با خاک تیمّم کنم؟ آنان بر او سخت گرفتند که با وجود آب، تیمّم با خاک باطلست. مرد مسلمان، غسل کرد و این کار مایه هلاکتش گردید. چون ماجرا را به پیامبر ﷺ گزارش دادند، فرمود: **قَتَلُوهُ، قَتَلَهُمُ اللهُ، ألّا سَألُوا إذا لَم يَعلَمُوا؟ فَإنَّما شِفاءُ العِيِّ السُّؤالُ**[7] «خدا آنان را بکشد که او را کشتند، چرا هنگامی که چیزی را ندانستند، نپرسیدند؟ درمانِ نادانی از طریق پرسش است». آنگاه پیامبر اکرم ﷺ توضیح داد که در چنین مواردی، چگونه باید عمل کرد.

در باب قبله، هنگامی که سَمت و جَهَت آن معلوم نباشد، برخی سختگیری نموده‌اند و اظهار داشته‌اند که باید به هر چهار سو، نماز خواند. امّا در کتب فقه و حدیث از قول یاران پیامبر ﷺ آمده

---

۶) المسند، احمدبن حنبل ۱، ۸۰ مقایسته شود با: الحدائِق النّاضره، بحرانی، ج ۲، ص ۱۵۵ (چاپ قم).

۷) الحدائق النّاضره، ج ۲، ص ۳۸۰؛ وسائل الشّیعة، باب ۵ از ابواب تیمّم، ج ۲، ص ۹۶۸، (چاپ بیروت)؛ التّاج الجامِع لِلأصول فِی أحادیثِ الرَّسول، مَنصُور علی ناصِف، ج ۱، ص ۱۲۴ (چاپ بیروت).

است که: **کُنّا مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی سَفَرٍ فِی لَیلَةٍ مُظلِمَةٍ، فَلَم نَدرِ أینَ القِبلَة؟ فَصَلّی کُلُّ رَجُلٍ مِنّا عَلی حِیالِهِ، فَلَمّا أصبَحنا ذَکَرنا ذلِکَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ فَنَزَلَت: فَأینَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجهُ الله**[۸] «ما با رسول خدا ﷺ در سفر، در شبی تاریک همراه بودیم و نمی‌دانستیم که قبله در کدام طرف است؟ پس هر یک از ما در سمت پیشینِ خود نماز گزارد، چون صبح فرا رسید این ماجرا را برای رسول خدا ﷺ حکایت کردیم آنگاه این آیه فرود آمد که:

﴿ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِ ﴾ (البقره: ۱۱۵)

«به هر طرف روی گردانید همانجا قبلهٔ خدا است».

همچنین در باب صلوة، تخفیف‌هایی که به مسلمانان داده شده از قبیل قصر نماز به هنگام سفر، و رفع نماز از بانوان در خونریزی‌های زنانه، و تغییر شکل نماز در وقت بیماری و یا خوف از دشمن

﴿ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالاً أَوۡ رُكۡبَانًا ﴾ (البقره: ۲۳۹)

و جواز جمع میان دو نماز به هنگام مسافرت یا حال عُسرَت و امثال این احکام، همگی از آسانگیریِ اسلام در مهمترین عبادت شرعی حکایت می‌کنند. در آثار نبوی آمده است که پیامبر اکرم ﷺ به یکی از یارانش وقتی که بیمار بود، فرمود: **صَلِّ قائِمًا، فَإن لَم تَستَطِع فَقاعِدًا، فَإن لَم تَستَطِع فَعَلی جَنبٍ، فَإن لَم تَستَطِع فَمُستَلقِیًا لایُکَلِّفُ اللهُ نَفسا إلّا وُسعَها**[۹]. «نماز را ایستاده بگزار، پس اگر توانایی نداشتی، نشسته و اگر نه، بر پهلو و اگر نه، بر پشت بخواب و نماز را بجای آر که خدا هیچکس را جُز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌کند».

در باب زکات نیز به تخفیف‌هایی چند بر می‌خوریم از جمله می‌خوانیم که گردآورندگان زکات (العامِلِینَ عَلَیها) نباید مردم را تفتیش کنند بلکه باید کار را بر ایشان آسان گیرند و بهترین بخش از اموال مسلمانان را انتخاب نکنند، چنانکه رسول اکرم ﷺ به مأمور خود فرمود: **فَإیّاکَ وَ کَرائِمَ**

---

۸) الجامع لأحکام القرآن، قرطبی، ج ۲، ص ۸۰، (چاپ مصر) مقایسه شود با: مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۴۳۱ (چاپ بیروت).

۹) التّاج الجامِع للأصول، ج ۱، ص ۲۰۱؛ الفقه الإسلامیّ و أدِلَّته، ج ۱، ص ۶۴۳، شکل کامل حدیث را در سنن نسائی می‌توان دید.

أموالِهِم[10] «از گرفتن ارزنده‌ترین بخش از اموال مردم، خودداری کن» و موارد دیگری نیز در همین باب ملاحظه می‌شود که شرح آنها بدرازا می‌کشد.

در باب صوم نیز آسانگیری‌هایی که دربارهٔ مریض، و مسافر، و زنِ باردار، و حائض، و زن و مرد پیر، و عطّاش (آنکه هر چند آب می آشامد سیر نمی‌شود!) و دیگران در فقه اسلامی معمول است مشهورتر از آنند که به توضیحشان نیاز افتد. رسول اکرم ﷺ به عبدالله بن عَمرو که تصمیم گرفته بود هر روز را به روزه‌داری پردازد و هرشب را بیدار ماند و عبادت کند فرمود: **صُم وَ أفطِر وَ قُم وَ نَم فَإنَّ لِجَسَدِکَ عَلَیکَ حَقًّا وَ إنَّ لِعَینَیکَ عَلَیکَ حَقًّا وَ إنَّ لِزَوجِکَ عَلَیکَ حَقًّا وَ إنَّ لِزَورِکَ عَلَیکَ حَقًّا وَ إنَّ بِحَسبِکَ أن تَصُومَ مِن کُلِّ شَهرٍ ثَلاثَةَ أیّامٍ**[11]. «پاره‌ای از اوقات را روزه بگیر و پاره‌ای دیگر را مگیر، پاسی از شب را به عبادت برخیز و پاسی دیگر را بخواب زیرا که بدنت بر تو حقّی دارد، و دیدگانت بر تو حقّی دارند، و همسرت بر تو حقّی دارد، و میهمانت بر تو حقّی دارد، تو را بسنده است که از هر ماه، سه روز را روزه بگیری».

در باب حجّ نیز تواناییِ بدنی و مالی، شرط اساسی در تعلّقِ تکلیف شمرده شده است چنانکه در نصّ قرآن مجید می‌خوانیم:

﴿ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً ﴾ (آل عمران: ۹۷)

«بر عهدهٔ مردم است که برای خدا، قصد خانهٔ کعبه کنند، هر کس که تواناییِ (بدنی و مالی) در پیمودن راه آنرا داشته باشد» و در آثار نبوی ﷺ آمده است که پیامبر اکرم ﷺ در راه حجّ، پیرمردی ناتوان را دید که بر دو پسرش تکیه کرده بود و به زحمت راه می‌رفت، از فرزندان او حال پدرشان را پرسید، گفتند: یارَسولَ الله، پدرِ ما نذر کرده است که پیاده به خانهٔ خدا رود. رسول اکرم ﷺ رو به پیرمرد نمود فرمود: **اِرکَب أیُّهَا الشَّیخُ فَإنَّ اللهَ غَنِیٌّ عَنکَ وَ عَن نَذرِکَ**[12] «ای شیخ، بر مرکب سوار شو که خدای تعالی از تو و نذرت بی‌نیاز است».

این قبیل تسهیلات در دیگر ابواب فقه نیز به وضوح ملاحظه می‌شود، حتّی در باب جهاد که به

۱۰) التّاجُ الجامِعُ لِلأصول، ج ۲، ص ۴، مقایسه شود با: وسائِل الشّیعة، باب زکوة الأنعام، ج ۴، ص ۹۱.

۱۱) التّاجُ الجامِعُ لِلأصول ، ج ۲، ص ۹۹.

۱۲) التّاجُ الجامِعُ لِلأصُول، ج ۳، ص ۸۳، مقایسه شود با: وسائل الشّیعة، ج ۸، ص۶۱. در وسائل آمده که رسول خدا (ص) فرمود: **إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ غَنِیٌّ عَن تَعذِیبِ نَفسِهِ فَلیَرکَب وَلیَهدِ** (سوار شود و بجای آن، قربانی کند).

مصداق آیهٔ شریفهٔ ﴿ كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ.. ﴾ با طبع بسیاری از مردم موافق نیست، به تخفیف‌هایی برخورد می‌کنیم که شکل این فریضهٔ مهمِّ إلهی را ملایم با طبع خردمندان نشان می‌دهد که تفصیل آنها در کتب فقه آمده و در اینجا مناسب است به آیهٔ ۹۱ از سورهٔ شریفهٔ توبه که گوشه‌ای از آسانگیری اسلام را در امر جهاد جلوه‌گر می‌سازد توجّه کنیم که می‌فرماید:

﴿ لَّيْسَ عَلَى ٱلضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى ٱلْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُواْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ مَا عَلَى ٱلْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾

(التّوبه: ۹۱)

«بر مردم ناتوان و بیمار و آنان که چیزی را برای خرج کردن (در امر جهاد) ندارند - چون برای خدا و رسولش پاکدلی کنند - گناهی نیست. راهی بر زیانِ نیکوکارن وجود ندارد و خدا آمرزنده و مهربان است».

همچنین دربارهٔ کسانی که لازمست با ایشان به پیکار برخاست و کسانی که نباید متعرّض آنان شد، در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿ وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓاْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴾

(البقره: ۱۹۰)

«در راه خدا با کسانی که به جنگ شما آمده‌اند، پیکار کنید و تجاوز مکنید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد».

و باز می‌خوانیم:

﴿ إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍۭ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوْ جَآءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَٰتِلُوكُمْ أَوْ يُقَٰتِلُواْ قَوْمَهُمْ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَٰتَلُوكُمْ ۚ فَإِنِ ٱعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْاْ إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً ﴾(النّساء: ۹۰)

«(با دشمنان کارزار کنید) مگر کسانی که به گروهی پیوسته‌اند که میان شما و آنان پیمانی هست یا به نزد شما آمده‌اند و حوصلهٔ ایشان از جنگیدن با شما یا کارزار با قومشان تنگ آمده - و اگر خدا می‌خواست آنان را بر شما چیرگی می‌داد و با شما پیکار می‌کردند - بنابراین، همینکه از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و اظهار صلح کردند، خداوند هیچ راهی را بر ضدّ آنان برایتان مقرّر نداشته است».

و در سورهٔ أنفال، ضمن آیات جهاد می‌فرماید:

﴿ وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴾ (الأنفال: ٦١)

«اگر (دشمنان) به صلح گرایش نشان دادند تو نیز بدین کار تمایل نشان بده و بر خدا توکّل کن که او شنوا و داناست».

و در کتب فقه و حدیث می‌خوانیم که: **كانَ رَسُولُ الله ﷺ إذا بَعَثَ سَرِيَّةً دَعا بِأَمِيرِها فَأَجلَسَهُ إلى جَنبِهِ وَ أجلَسَ أصحابَهُ بَينَ يَدَيهِ، ثُمَّ قالَ: سِيرُوا بِسمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ فِى سَبِيلِ اللهِ وَ عَلى مِلَّة رَسُولِ الله. لاتَغدِرُوا وَ لاتَغُلُّوا وَ لاتُمَثِّلُوا وَ لاتَقطَعُوا شَجَرَةً إلّا أن تضطَرُّوا إلَيها وَ لاتَقتُلُوا شَيخًا فانِيًا وَ لا صَبِيًّا وَ لاامرَأَةً**[۱۳]. «چون پیامبر ﷺ گروهی را به جنگ می‌فرستاد، فرماندهٔ آنان را فرا می‌خواند و در کنار خود جای می‌داد و یارانش را در پیش روی می‌نشاند، سپس به آنها می‌گفت: به نام خدا، و با توکّل به خدا، و در راه خدا، و بر آئین پیامبر خدا حرکت کنید. نیرنگ مزنید، خیانت مورزید، دشمن را مُثله مکنید، هیچ درختی را جُز به ناچاری قطع مکنید، هیچ پیرمرد فرتوتی را مکُشید و هیچ کودک و زنی رابه قتل مرسانید».

همچنین در باب حدود و تعزیرات که احکام آن، در نظرِ عدّه‌ای، احکامی سنگین و سخت جلوه کرده است تخفیف‌های فراوانی در آثار فقهی به چشم می‌خورد که توجّه بدانها از احکام کیفری اسلام، رفع شبهه می‌کند. مثلاً قاعده‌ای عظیم بر سراسر باب مذکور حکومت دارد با این عنوان که «**الحُدُودُ تُدرَءُ بِالشُّبهاتِ**». بنابراین قاعدهٔ رحمت‌آمیز، که عینًا از کلام نبوی ﷺ اقتباس شده است، کمترین شبهه‌ای در جرم، عقوبت را از متَهم دفع می‌کند. رسول اکرم ﷺ فرموده است: **اِدرَءُوا الحُدُودَ مَا استَطَعتُم فَإن كانَ لَهُ مَخرَجٌ فَخَلُّوا سَبِيلَهُ فَإنَّ الإمامَ لَأن يُخطِئَ فِى العَفوِ خَيرٌ مِن أن يُخطِئَ فِى العُقُوبَة**[۱۴] «تا می‌توانید کیفرهای شرعی را از مسلمانان دفع کنید و اگر گریزگاهی برای متّهم وجود داشته باشد، رهایش سازید زیرا که اگر امامِ مسلمانان در کارِ عفو، به خطا افتد بهتر از آنست که در کارِ عقوبت، خطا کند». شرایط دقیقی که برای هر جرم تعیین شده تا کیفر شرعی بدان تعلّق گیرد، بسیاری از متهمان را تبرئه می‌کند. گاهی عفو و گذشت از سوی صاحب حقّ (مانند عفوِ وَلِیّ دم) مجرم را از کیفر می‌رهاند

---

۱۳) وسائِل الشّیعة، باب ۱۵، از ابوابُ جهادِ العَدُوّ، مقایسه شود با: إمتاع الأسماع، مقریزی، ج ۱، ص ۳۵۵ (چاپ بیروت).

۱۴) التّاج الجامِع لِلأصول، ج ۳، ص ۳۴، مقایسه شود با: الخِلاف (مَسائل الخلاف) شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۴۶ (چاپ ایران).

﴿فَمَنْ عُفِیَ لَهُۥ مِنْ أَخِیهِ شَیْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ﴾.

و گاهی توبهٔ مجرم، پیش از آنکه دستگیر شود، وی را از حدِّ شرعی معاف می‌دارد

﴿إِلَّا الَّذِینَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَیْهِمْ﴾.

و گاهی اشتباه یا فراموشکاری یا مجبور بودن مجرم، مایهٔ نجات وی را فراهم می‌آورد چنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: **رُفِعَ عَن أمَّتِی الخَطَأُ وَالنِّسیانُ وَ مَا استُکرِهُوا عَلَیهِ**[15]. «از أمّت من، کیفر اعمالی که از روی خطاکاری یا فراموشی یا اجبار صورت پذیرفته باشند، برداشته شده است». مثلا در آثار نبوی ﷺ آمده است: **أنَّ النَّبِیَّ ﷺ قالَ لامرأةٍ اُکرِهَت عَلَی الزِّنا: إذهَبِی فَقَد غَفَرَ اللهُ لَکِ**[16] «پیامبر اسلام ﷺ به زنی که او را به زناکاری وادارکرده بودند، فرمود: برو که خدا تو را آمرزیده است». به نظر شافعی (محمّد بن إدریس) اساساً تعزیرِ گناهکاران، واجب نیست و امام مسلمانان می‌تواند مجرمان را از تعزیر معاف دارد[17]، به دلیل آنکه رسول خدا ﷺ فرمود: **أَقِیلُوا ذَوِی الهَیئاتِ عَثَراتِهِم إلّا فِی الحُدُودِ**[18]. «از لغزشهای اهل دیانت درگذرید، مگر در حدود». خلاصه آنکه در این باب (حدود و تعزیرات) نیز مانند دیگر ابواب فقه، زمینهٔ تسامح و اغماض و آسانگیری، فراوان دیده می‌شود که از تفصیل آنها در این مقاله، معذوریم.

آنچه در پی این بحث، باقی می‌ماند آنست که ملاحظه کنیم اسلام در چه مواضعی، تسامح را نپسندیده و به سختگیری دستور داده است.

محمّد بن سَعد در طبقاتش، گزارشی از عائشه آورده که روحیّهٔ پیامبر اسلام ﷺ را نسبت به تسامح و شدّت عمل، به صورت کلّی نشان می‌دهد و مناسب است که ما، در مَطلَع این بحث روایت مزبور را نقل کنیم و سپس به تفصیل مسئله پردازیم:

ابن سَعد از قول عائشه می‌نویسد: **ماخُیِّرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی أمرَینِ إلّا أخَذَ أیسَرَهُما ما لَم یَکُن إثماً، فَإن کانَ إثماً کانَ أبعَدَ النّاسِ مِنهُ، وَ مَاانتَقَمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِنَفسِهِ إلّا أن تُنتَهَکَ حُرمَةُ اللهِ فَیَنتَقِمُ للهِ**[19]. «هیچگاه

---

۱۵) جامع الأحادیث، ج ۴، ص ۲۳۳، حدیث ۱۲۵۶۳.

۱۶) التّاجُ الجامعُ لِلأصول، ج ۳، ص ۳۵.

۱۷) الفِقهُ الإسلامِیّ وَ اَدِلَّته، ج ۶، ص ۲۰۷، عبارت کتاب چنین است: «**وَعِندَ الشّافِعِیَّةِ لَیسَ التَّعزیرُ واجِباً فَیَجُوزُ لِلسُّلطانِ تَرکُهُ إذا لَم یَتَعَلَّق بِهِ حَقُّ آدَمِیّ**».

۱۸) الفِقهُ الإسلامِیّ وَ اَدِلَّتُهُ ، ج ۶، ص ۲۰۷؛ التّاجُ الجامعُ لِلأصول ، ج ۳، ص ۳۶.

۱۹) الطّبقات الکُبری، ج ۱، القسم الثّانی، ص ۹۱ (چاپ لیدن).

پیامبر خدا ﷺ میان دو کار اختیار پیدا نمی‌کرد مگر آنکه آسانترینش را بر می‌گزید تا جایی که گناهی در میان نبود، و اگر گناهی به میان می‌آمد، از همهٔ مردم نسبت بدان گناه دورتر بود. و هرگز پیامبر ﷺ برای ظلمی که به خودش رفته بود از کسی انتقام نگرفت مگر زمانی که احترامِ نواهیِ خداوند از میان می‌رفت، در آن صورت، برای خدا انتقام می‌گرفت». این گزارش، نمایشگر آنست که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ در حوزهٔ اختیارات خود، همواره به آسانگیری روی می‌آورد و در حقوق شخصی، جانبِ رحمت و ملایمت را می‌گرفت ولی در اجرای قوانین خداوند (که با منافع عمومی پیوند داشت) هرگز مداهنه روا نمی‌داشت و به وساطتِ این و آن، اعتنایی نمی‌نمود چنانکه مأثور است زنی از قبیلهٔ بَنِی مَخزُوم را به حضور پیامبر ﷺ آوردند و جُرم او که سرقت بود به اثبات رسید. رسول خدا ﷺ دستور داد تا زن تبهکار را به کیفر رسانند، برخی از مسلمانان، بدستاویز آنکه زن مزبور از قبیلهٔ معتبری است اصرار داشتند تا حدّ شرعی از او برداشته شود و چارهٔ این کار را چنان دیدند که اُسامَة بن زید را به سوی پیامبر ﷺ به شفاعت فرستند. اُسامه که از لطف رسول خدا (ﷺ) به خود، مطمئن بود درباره آن زن شفاعت نمود. پیامبر خدا ﷺ با شگفتی به او فرمود: **أ تَشفَعُ فِی حَدٍّ مِن حُدُودِ الله؟** «آیا دربارهٔ حدّی از حدود خدا، میانجیگری می‌کنی؟» و سپس برخاست و روی به مردم نمود و فرمود: **أیُّهَا النّاسُ إنَّما هَلَکَ الَّذِینَ مِن قَبلِکُم إنَّهُم کانُوا إذا سَرَقَ فِیهِمُ الشَّرِیفُ تَرَکُوهُ وَ إذا سَرَقَ فِیهِمُ الضَّعِیفُ أقامُوا عَلَیهِ الحَدَّ وَ ایمُ الله لَو أنَّ فاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَت لَقَطَعتُ یَدَها!**[20] «هان ای مردم، پیشینیان شما هلاک شدند زیرا اگر شخصی قدرتمند و مالدار در میان آنها دزدی می‌کرد، وی را رها می‌ساختند و زمانی که شخص ناتوانی به دزدی دست می‌زد، او را کیفر می‌دادند ولی سوگند به خدا اگر فاطمه دختر محمّد به سرقت پردازد، من دستش را قطع می‌کنم». اجرای عدالت، سخت در نظر پیامبر خدا ﷺ معتبر بود، چرا که قرآن مجید تأکید داشت:

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ أَوِ ٱلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ ﴾ (النِّساء: ۱۳۵)

«ای اهل ایمان، در راه اجرای عدالت، قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خود یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد...».

و نیز فرمود:

۲۰) التّاجُ الجامِعُ لِلأصول ، ج ۳، ص ۳۶و ۳۷.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ﴾ (المائده: ۸)

«ای اهل ایمان، برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید و دشمنی با گروهی، شما را به بی‌عدالتی درباره آنان نکشاند...».

از اینرو پیامبر اسلام اجازه نمی‌داد که یارانش حتّی در اموال غیرمسلمانان، به ناروا کمترین تصرّفی کنند و می‌فرمود: **ألا مَن ظَلَمَ مُعاهِدًا أو انتَقَصَهُ أو كَلَّفَهُ فَوقَ طاقَتِهِ أو أخَذَ مِنهُ شَيئًا بِغَيرِ طِيبِ نَفسٍ فَأنَا حَجيجُهُ يَومَ القِيامَةِ**[21]. «بدانید کسی که به همپیمانی غیرمسلمان، ستم کند یا بر او نقصی روا دارد یا او را به کاری بیش از طاقتش وا دارد یا از او چیزی - بدون رضایتش - بگیرد، من در روز رستاخیز معارض وی خواهم بود». طبری و ابن هشام گزارش نموده‌اند که برخی از تازه مسلمانان، اجازه خواستند تا از «ضَوالّ» یعنی شترانی که صاحبانشان آنها را گم کرده‌اند، بهره گیرند و سوار بر آنها به قبیله خود باز گردند. پیامبر به نمایندهٔ آنان فرمود: **لا! إيّاكَ وَ إيّاها، فَإنَّما تِلكَ حَرَقُ النّار**[22] «نه! بر تو باد که از آنها بپرهیزی که شعلهٔ آتش‌اند».

رسول خدا ﷺ با رشوه گرفتن و رشوه دادن، سخت مخالف بود و دست‌اندرکاران این امور را نفرین فرمود و گفت: **لَعَنَ اللهُ الرّاشِيَ وَ المُرتَشِيَ فِي الحُكمِ**[23]. «خدا رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده را در کار قضاوت، لعنت کند» و در روایت دیگرفرمود: **لَعَنَ اللهُ الرّاشِيَ وَ المُرتَشِيَ وَ الرّائِشَ الَّذِي يَمشِي بَينَهُما**[24] «خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی را که میان آندو وساطت می‌کند». شکستن احکام خدا به بهانه‌های ناروا در نظر رسول اکرم ﷺ سخت مذموم بود و می‌فرمود: **قاتَلَ اللهُ اليَهُودَ إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَمّا حَرَّمَ عَلَيهِمُ الشُّحُومَ جَمَّلُوها ثُمَّ باعُوها فَأكَلُوا أثمانَها!**[25]

---

۲۱) صحیح ابو داود، الاماره،۳۳.

۲۲) تاریخ طبری (تاریخ الأُمَم و المُلُوک)،ج ۳، ص ۱۳۶ (چاپ قاهره)؛ سیرهٔ ابن هشام (سِیرَةُ رَسولِ الله)، ج ۲، ص ۵۷۵ (چاپ قاهره).

۲۳) جامع الأحادیث، ج ۵، ص ۲۷۳؛ التّاج، ج ۳، ص ۵۶.

۲۴) جامع الأحادیث، ج ۵، ص ۲۷۳؛ التّاج، ج ۳، ص ۵۶.

۲۵) جامع الأحادیث، ج ۴، ص ۶۷۶؛ صحیح بخاری (با شرح کرمانی)، ج ۱۰، ص ۷۴، چاپ لبنان، در عبارت جامع الأحادیث: **حُرِّمَت عَلَيهِمُ الشُّحُومُ فَباعُوا وَ أكَلُوا أثمانَها** آمده است.

«خدا یهودیان را بکشد! زیرا که، چون خداوند تعالی خوردن پیه را بر آنان حرام فرمود. ایشان پیه را ذوب کرده و فروختند و بهایش را خوردند!». در اسلام مقرّر شده است که اگر مردی همسرش را سه بار طلاق دهد، از آن پس، حقِ رجوع و بازگشت به او را ندارد مگر آنکه زنِ مزبور، به طور عادی شوهردیگری کند و اتّفاقًا از او نیز جدا شود که در این‌صورت با تجربهٔ تازه‌ای که آموخته، می تواند به همسری شوهر اوّلش درآید. برخی، این قانون حکیمانه را دستاویز هوسبازی خود قرار می‌دادند و حاضر می‌شدند تا نقش «مُحَلِّل» را ایفا کنند یعنی زن مطلّقه را یک شبه به ازدواج خویش درآورند و سپیده دم طلاقش دهند تا بر شوهرِ پیشین، حلال گردد! پیامبر ﷺ در این کار سختگیری می‌نمود و می‌فرمود: **لَعَنَ اللهُ المُحَلِّلَ وَ المُحَلَّلَ لَهُ**[26] «لعنت خدا بر مُحَلِّل باد و همچنین بر کسی که مُحَلِّل برای او کارسازی می‌کند».

بدعت‌گذاران در دین، سخت مورد خشم پیامبر بودند و رسول خدا ﷺ می‌فرمود: **کُلُّ بِدعَةٍ ضَلالَة وَ کُلُّ ضَلالَةٍ فِی النّارِ**[27]. «هر بدعتِ دینی، گمراهی است و هر نوع گمراهی به آتش می‌انجامد». و باز می‌گفت: **أبَی اللهُ اَن یَقبَلَ عَمَلَ صاحِبِ بِدعَةٍ حَتّی یَدَعَ بِدعَتَهُ**[28]. «خدا هیچیک از اعمال بدعتگذاران را نمی‌پذیرد تا بدعتشان را ترک کنند». رسول اکرم ﷺ دانشمندان اُمّت خود را موظّف شمرد تا در برابر بدعت‌های دینی خاموشی نگیرند و به مخالفت با آنها بپاخیزند و فرمود: **إذا ظَهَرَتِ البِدَعُ فِی اُمَّتِی فَلیُظهِرِ العالِمُ عِلمَهُ فَمَن لَم یَفعَل فَعَلَیهِ لَعنَةُ الله**[29] «زمانی که بدعت‌ها در اُمّت من آشکار شد، هر دانشمندی باید علم خود را (در مخالفت با آن بدعتها) اظهار کند و کسی که چنین نکرد، لعنت خدا بر او باد».

خلاصه آنکه پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ هر چند در امور شخصی، پُرگذشت و آسانگیر بود در اجرای احکام خدا، جدّیّتِ بسیار داشت و با هر گونه فریبکاری و بدعت‌گذاری به سختی مخالفت می‌نمود زیرا که اسلام در این باره تسامُح را نمی‌پسندد، هر چند احکام خود را آسان و قابل تحمّل، تشریع کرده است.

---

۲۶) تفسیر روح الجنان، ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۳۹۳، چاپ قم؛ الجامع الصّحیح (سُنَن التّرمذی)، ج ۳، ص۴۲۸،چاپ بیروت. عبارت حدیث در سُنَن ترمذی چنین است: **لَعَنَ رَسُولُ الله المُحِلَّ وَالمُحَلَّلَ لَهُ.**

۲۷) التّاج الجامِع للأصول، ج ۱، ص ۴۴؛ الأصول مِن الکافی، کُلینی رازی، ج ۱؛ بابُ البِدَعِ وَ الرَّأیِ وَ المَاییسِ، حدیث شمارهٔ ۱۲.

۲۸) سُنَن ابن ماجه، ج ۱، مقدَمه، ص ۱۹، چاپ استانبول.

۲۹) الأصول من الکافی، ج ۱؛ بابُ البِدَعِ وَ الرَّأیِ وَ المَاییسِ ، حدیث شماره ۲.

آنچه بیش از هرچیز مورد تأکید اسلام قرار دارد، توحید خالص است که به هیچوجه مُداهنه و سهل‌انگاری در آن پذیرفته نیست و اسلام با انواع شرک‌ها (از قبیل بت‌پرستی و ستاره پرستی و فرشته‌پرستی و انسان‌پرستی...) به شدّت مخالفت نموده است. پیامبر بزرگوار ما از بیم آنکه أمّتش دربارهٔ او به غُلُوّ پردازند مؤکّداً فرمود: **لاتُطرُونِی کَما أطرَتِ النَّصارَی ابنَ مَریَمَ فَإنَّما أنَا عَبدٌ، فَقُولُوا عَبدُاللهِ وَ رَسُولُهُ**[30] «دربارهٔ من مبالغه نکنید چنانکه مسیحیان دربارهٔ فرزند مریم، از حدّ درگذشتند. جُز این نیست که من بنده‌ای هستم، بنابراین بگویید: بندهٔ خدا و فرستادهٔ او».

و نیز می‌فرمود: **لاتَرفَعُونِی فَوقَ حَقِّی فَإنَّ اللهَ اتَّخَذَنِی عَبداً قَبلَ أن یَتَّخِذَنِی نَبِیّاً**[31] «مرا از آنچه حقِّ من است بالاتر نبرید که خداوند پیش از آنکه مرا به پیامبری گیرد، به بندگی گرفته است».

و به روایت تمام فِرَقِ مسلمین، در روزهای واپسین از عمر شریفش، نگران این أمر بود که مبادا پس از مرگ وی، قبرش را پرستشگاه کنند و از اینرو بنا به گزارش ابن بابویه فرمود: **لاتَتَّخِذُوا قَبرِی قِبلَةً وَ لامَسجِداً**[32] «قبر مرا قبله قرار مدهید و آنرا سجده‌گاه مکنید». و به گزارش مالک در مَوَطَّأ می‌گفت: **اَللّهُمَّ لاتَجعَل قَبرِی وَثَناً یُعبَدُ**[33] «بار خدایا! مگذار قبر من همچون بتی شود که آن را پرستش کنند». چرا که قرآن مجید در مسئلهٔ شرک، پافشاری بسیار و سختگیری فراوانی نموده و می‌فرماید:

﴿ مَن یُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَیْهِ ٱلْجَنَّةَ وَمَأْوَىٰهُ ٱلنَّارُ... ﴾

(المائده: ۷۲)

«هر کس به خدا شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش، آتش است...».

آنچه در اینجا آوردیم دورنمایی از «تَسامُح و شدّت عمل در اسلام» بود و تفصیل بحث، موکول به نگارش کتابی مستقلّ است و:

آب دریـا را اگر نتوان کشیـد
هم به قدر تشنگی باید چشید

---

۳۰) صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۴، چاپ مصر.

۳۱) عیون اخبار الرضا، ابن بابویه، ص ۳۲۴، چاپ سنگی.

۳۲) مَن لایَحضُرُهُ الفَقیه، ابن بابویه، بابُ التَّعزیَةِ وَ الجَزَعِ عِندَ المُصیبَةِ، ص ۳۵، چاپ سنگی.

۳۳) المُوَطَّأ، ج ۱، ص ۱۴۳، چاپ مصر.

از مجموعهٔ سخنان و شواهدی که نشان دادیم می‌توان بدین نتیجه رسید که در اسلام، تسامح و آسانگیری بر شدّتِ عمل غلبه دارد و قوانین اسلامی، سهل و آسان تشریع شده است هر چند در رعایت آنها، کمال جدّیّت را باید مبذول داشت: **وَ اللهُ تَعالی وَلِیُّ الهِدایَةِ وَ التَّوفِیق.**

مصطفی حسینی طباطبائی

مجلهٔ تحقیقات اسلامی، سال هفتم، شمارهٔ۱، فروردین ۱۳۷۲ رمضان ۱٤۱۳